

کدام سیاست پیش می رود؟

مهدي سامع
mehdi.samee@gmail.com

روز چهارشنبه ۲۸ فروردین محمود احمدی نژاد طی یک سخنرانی در قم مسایلی را مطرح کرد که باید روی آن تامل کرد. این که یک کوتوله سیاسی حرفهای بزرگتر از دهانش را مطرح می کند به خودی خود چیز تازه ای نیست. اما این که احمدی نژاد به عنوان گماشته ولی فقیه کف بر دهان و شمشیر بر دست ادعای قدر قدرتی می کند، این پرسش را در مقابل ما قرار می دهد که این حرفها در چه شرایطی بیان می شود و در پشت این سخنان پرهیاهو کدام اهداف و برنامه ها قرار دارد. حرفهای احمدی نژاد دو جنبه به هم پیوسته دارد. او در بخش اول سخنانش به رقبای داخلی به شمول نزدیکترین وزرایش حمله می کند و در بخش دیگر برای جهانی که قرار است «احمدی نژادی» شود خط و نشان می کشد.

قسمتی از حرفهای احمدی نژاد را با هم مرور کنیم:
-بنده می پرسم که کدام سیاست دولت انجام شد؟
-گمرکات، ثبت اسناد، مجوزها و انحصارات، بانکها و شبکه مالیاتی و عدم نظارت بر عملکرد دستگاههای اجرایی ریشه سوء استفاده، بی عدالتی و تبعیضها هستند.
-متأسفانه برخی گروهها آن قدر قدرتمندند که در مراجع قانونگذاری هم این امور را به سمت خود سوق می دهند که باید دانه به دانه این دستها را قطع و با آن مبارزه کرد.
-برخی از دستگاهها نیز وظیفه اصلی خود را انجام ندادند و با آن بدنه مافیایی نتوانستند مقابله کنند.
-بنده به شما قول می دهم که دست همه این افراد را در سال جدید از بیت المال قطع کنم.
-بنده تا ریشه کن شدن فساد ایستاده ام و از کسی باکی ندارم.

اینها ۶ محور از حرفهای گماشته ولی فقیه است. وی در نقش منقد دولت و با حمله به کسانی که مشخص نیست در کدام رکن حکومتی و در چه بخشی از هرم قدرت و ثروت قرار دارند، به آشکارترین صورت اعتراف به شکست است. همگان می دانند که احمدی نژاد از حمایت کامل و بی دریغ ولی فقیه برخوردار بوده و اساساً تصدی پست ریاست جمهوری توسط وی به خاطر مداخله مستقیم و آشکار سپاه پاسداران تحت امر ولی فقیه بوده است. احمدی نژاد از فرصت بالا رفتن قیمت نفت برخوردار بوده و با دست باز به هر شکلی که ولی نعمتش خواسته منابع ملی کشور را هزینه کرده است. در دوران این کوتوله سیاسی است که نقدینگی از ۶۰ هزار میلیارد تومان به ۱۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش می یابد. در همین دوران است که نرخ تورم به رقمی بالاتر از ۲۰ افزایش می یابد. احمدی نژاد با برگزاری شعبده بازی انتخاباتی مجلسی یکدست تر از مجلس کنونی را سامان داده است و بدون هرگونه محدودیت همه ی ارگانهای نظام را به بازی گرفته و آنها را به کنار می زند.
احمدی نژاد سوار بر مرکب بی ترمز و دنده ولی فقیه به نزدیک ترین یاران و حامیانش که نقش مهمی در سرکوب داخلی و صدور ترور داشته اند نیز رحم نکرده است. او حتی وزرای فعلی دولت که منصوب خودش هستند را غیر حزب الهی و مافیایی می داند. او در روز ۲۱ فروردین در مشهد گفت: «باید خودمان را برای يك جراحي بزرگ و اصلاحات اساسي و سازندگي عظيم آماده كنيم..... بعضيها كه حرفهاي دشمن را ترجمه مي كنند خواسته هاي دشمن را منتشر مي كنند هنوز طرح دولت اعلام نشده است به مخالفت با آن برخاسته اند.»

این گونه تیغ کشی بی محابا پاسدار و شکنجه گر معروف را هم به صدا در آورده است.

حسین سرپرستمداری در سرمقاله روز ۲۶ فروردین کیهان می نویسد: «تغییرات پی در پی و بی سابقه، علاوه بر پی آمدهای منفی خاص خود، سایر اعضای کابینه را هم نسبت به ادامه فرصت برای خدمت دچار تزلزل می کند و هیچکدام نمی دانند فردا نوبت کدامیک از آنان است.»

احمدی نژاد می داند که بحران کنونی محصول سیاست اتخاذ شده توسط ولی فقیه است و نقش او تنها و تنها اجرای دستورات ولی فقیه است. اما از آن جا که حیات سیاسی گماشته ولی فقیه در اجرایی کردن همین سیاستها می باشد، وی مجبور است زمین و زمان را به هم بدوزد و با یاهه گویی مسئول نا بسامانیهای کشور و فقر و فلاکت مردم را «دشمن خارجی» و «مافیای» داخلی اعلام کند و این در حالیست که وی به طور صریح و روشن نامی از این «قدرتمندان» داخلی نمی برد. او می داند که با برکنار کردن این یا آن وزیر و مسئول کاری پیش نخواهد رفت و بنابراین صلاح خود و ولی امرش را در این می بیند که حرفهایش را گنگ و مبهم و در لفافه بیان کند تا هم ضعف نظام را لاپوشانی کند و هم برای هر جراحی دیگر دستش باز باشد.

یک روز پس از سخنرانی احمدی نژاد روزنامه سرمایه در سرمقاله خود نوشت: «رئیس جمهوری با گذشت بیش از ۱۰۰۰ روز از عمر دولت ۱۴۶۰ روزه خود، بار دیگر تقریباً همه قوای سه گانه و دیگر نهادهای کشور را تلویحاً به همراهی با مافیای رانت خوار فاسد متهم کرده است..... رئیس دولت دائماً از این مافیا شکایت می کند، فقط یک کار ساده را انجام نمی دهد و آن معرفی مافیایی است که اگر مبنای سخن احمدی نژاد در قم را ملاک قرار بدهیم، مانند غده لجام گسیخته سرطانی همه اجزای حکومت و دولت را جز شخص رئیس جمهوری در میان گرفته است..... یک هزار روز پس از شروع دولتی که قرار بود در همان سال اول همه چیز را سامان دهد، رئیس جمهوری عصبی تر و خسته تر و تلخ تر از همیشه، همان حرفها و شعارهای روز نخست را می زند.»

اما حرفهای احمدی نژاد فقط به اوضاع نابسامان اقتصادی محدود نمی شود. او برای لاپوشانی کردن بحران نظام ولایت فقیه پای «نظامات حاکم بر جهان» را به میان می کشد و به راستی که با حرفهایش نه فقط دم خروس که هیولای بنیادگرایی اسلامی که امام راحل آن را طراحی و آیت الله خامنه ای آن را تنها راه نجات ولایتش می داند را به نمایش گذاشت.

به قسمتی از حرفهای احمدی نژاد در این رابطه توجه کنیم:
- ما اگر نتوانیم مناسبات جهانی را اصلاح کنیم و اگر زورگویان را در جغرافیای خود محصور نکنیم آنها اجازه نخواهند داد که ما به فعالیتهای خود ادامه دهیم.
- ما باید امروز تلاش کنیم تا بتوانیم شرایط جهان را تغییر دهیم چرا که بدون تغییر نظامات حاکم بر جهان نمی توانیم شاهد برقراری عدل و صلح در سراسر جهان باشیم.
- امکان ندارد بدون تغییر این نظامات حاکم بر جهان نظامات طاغوتی و ظالمانه و فاسد ما بتوانیم به قلههای پیشرفت برسیم ...
- دوران سلطه شصت ساله و جنایتهای شما بعد از جنگ جهانی دوم، دورانی که با تبلیغات مسموم و فشارهای سیاسی و رسانه‌ای و بین المللی و همچنین لشگرکشی ملتها را تهدید کردید به پایان رسیده است

این ۴ محور از سخنان احمدی نژاد عصاره سیاست ولایت فقیه را به نمایش می گذارد. ایده های خمینی و خامنه ای برای ایجاد یک اتحاد جماهیر اسلامی به مثابه یک فطب در مناسبات جهانی را در همین جمله های کوتاه می توان به وضوح مشاهده کرد. قله‌های پیشرفت که پاسدار احمدی نژاد به دنبال آنست، سیاست و

برنامه ای برای بهبود زندگی مردم ایران و آوردن پول نفت بر سر سفره مردم ایران نیست. خامنه ای برای حفظ ولایتش در سودای ایجاد امپراطوری اسلامی، از طریق عمل و اکره اش و منجمله گماشته گوش به فرمانش، نان مردم را از سر سفره آنان می رباید تا مزدورانش را ریز پرچم «ولی امر مسلمین جهان» آماده به خدمت نگهدارد. برای نظام ولایت فقیه، اگر بخواهد به وصیتنامه و درسهای خمینی وفادار بماند راهی جز حرکت بی دنده و ترمز برای ایجاد جنگ و آشوب تا ایجاد «امپراطوری اسلامی» و «ظهور نور از چاه جمکران» وجود ندارد. این مسیر البته با منافع مردم ایران در تضاد کامل قرار دارد و از همین روست که مردم به اشکال مختلف خشم و نفرت خود را از این سیاست و آمران و عاملان آن اعلام می کنند. در شرایطی که تمام ظرفیتهای ارتجاعی نظام ولایت فقیه علیه مردم ایران به کارگرفته شده و اکنون نظام در ضعیفترین موقعیت خود برای بقا می جنگد، راه نجات را در اعلام جنگ به مردم ایران و جهان تشخیص داده و برای همین مجبور است با جراحیهای بزرگ و با دستیابی به سلاح اتمی و با صدور تروریسم، آشوب و بنیادگرایی اسلامی، نظام ولایت فقیه را تامین کند. جراحیهای بزرگ درون نظام، پاسخ منفی به قطعنامه های شورای امنیت ملل متحد، مداخله اخلاک‌گراانه در عراق و لبنان و فلسطین و بی‌خانمان کردن مردم ایران تجلی عینی آن راه و رسمی است که احمدی نژاد در قم بیان کرد.

منبع: یادداشت سیاسی نبرد خلق، شماره ۲۷۴، یکشنبه اول اردیبهشت ۱۳۸۷ (۲۰ آوریل ۲۰۰۸)